

فقه مقارن به مثابه راهکار وحدت در جهان اسلام با تأکید بر دیدگاه آیت الله محسنی و شیخ شلتوت

سید رضا انوری^۱

سید آصف کاظمی^۲

چکیده

تاریخ معاصر جهان اسلام با چالش‌ها و بحران‌های متعددی گریبان گیر است. رهایی از این بحران‌ها مستلزم نظریه پردازی و رفتار آگاهانه هست. مسئله وحدت و همگرایی یکی از اهداف مهم شریعت اسلامی و دستورهای عقلی است و از طرفی وحدت و همگرایی یکی از دغدغه‌های مصلحان بزرگ تاریخ به شمار می آید. هدف از پژوهش حاضر که بر اساس روش جستاری اسپریگنز تدوین شده است به بررسی راهکار ارائه شده به وسیله دو منادی بزرگ وحدت در جهان اسلام یعنی شیخ محمود شلتوت و آیت الله محمد

۱. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (با گرایش مدیریت) مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث (جامعه المصطفی العالمیه)، anvarimv09@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۲. استادیار مدعو مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه)، kazemi.asef@gmail.com

آصف محسنی است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آن دو شخصیت چه راهکاری برای رسیدن جهان اسلام به وحدت ارائه دادند؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که برای رسیدن به وحدت و همگرایی اسلامی ابتدا باید وضعیت موجود را فهم نموده و با شناسایی علل و موانع و ترسیم راهکار به سمت وضعیت مطلوب و آرمانی یعنی وحدت اسلامی با توجه و تقویت فقه مقارن و تطبیقی عبور کنیم. از نظر آنان مشترکات موجود فقهی در میان فرق اسلامی عامل وحدتی پایدار و ماندگار است و مسلمانان در اصول عقیدتی و بسیاری از احکام عملی اسلامی با یکدیگر اشتراک دارند.

واژگان کلیدی: وحدت اسلامی، تعصب، استعمار، اشتراک فقهی، تقلین، فقه مقارن.

مقدمه

تفرقه و واگرایی در تاریخ معاصر جهان اسلام تبدیل به بحران سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و مسئله پیچیده‌ای شده است. روشن است که آینده مطلوب جهان اسلام، در گرو وحدت و همگرایی جوامع اسلامی است. کشورهای اسلامی تنها در شرایطی می‌توانند به عنوان یک قطب قدرتمند در جهان آینده ایفای نقش کنند که از واگرایی‌ها به سمت همگرایی رهنمون شوند. توصیه‌ها و دستورات قرآن، پیامبر عظیم‌الشان (صلی‌الله علیه و آله) اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، برای درک ضرورت و اهمیت مسئله وحدت و همبستگی بسیار گویا و صریح است. از این رو خدشه نمودن به مسئله وحدت مسلمانان، از هیچ مسلمانی و با هیچ بهانه‌ای پذیرفتنی نیست. همگرایی و وحدت امت اسلامی یکی از اصول مسلم اسلامی است، ولی متأسفانه به دلایلی و تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی، این اصل اصیل اسلامی که در متون دینی ما بدان توصیه و تأکید فراوان شده است؛ مورد غفلت قرار گرفته است. رسیدن به وحدت و همگرایی یکی از آمال و

آرزوهای دیرین نخبگان و اندیشمندان اسلامی بوده است و فرهیختگان امت اسلام برای تحقق آن راهکارهای مؤثری ارائه داده‌اند.

بدون تردید سهم عمده وحدت و همگرایی امروز جهان اسلام متعلق به عالمان و مصلحان بزرگی است که عمر شریف و ارزشمند خود را صرف آگاهی و بیداری امت اسلامی نمودند تا در پرتو آن به شناخت و درک صحیحی از بایدها و نبایدهای منافع و مصالح جهان اسلام نائل گردند. آنان عالمان بصیر و فقیهان شجاع و مصلحان دلسوزی بودند که به‌رغم فشار ظالمان و ستمگران و طعن و تهمت‌های متحجران و کج‌اندیشان هیچ‌گاه دست از مبارزه نکشیدند و تمام‌قد در برابر آنان ایستادند تا چهره حقیقی و تابناک اسلام عزیز را به امت اسلامی معرفی نمایند. در این پژوهش تلاش داریم دیدگاه شیخ محمد شلتوت و آیت‌الله محسنی را در مورد راه‌حل رسیدن به وحدت و همگرایی موردبررسی قرار دهیم.

آیت‌الله‌العظمی محسنی از جمله منادیان وحدت و مراجع برجسته شیعیان افغانستان بود، که همواره وحدت مسلمین و همگرایی مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت. برخی معتقدند که هر شخصی یک کلیدواژه شخصیت دارد، اگر بخواهیم برای آیت‌الله محسنی کلیدواژه بیابیم آن واژه وحدت و همگرایی است. محمدآصف محسنی فرزند محمد میرزا محسنی در ۶ اردیبهشت ۱۳۱۴ در شهر قندهار به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۳۲ به نجف رفت و در طول سه سال، دروس سطوح را به پایان رسانید. سپس به دروس خارج فقه، رجال و حدیث و اصول پرداخت و نزد سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خوئی و حسین حلی و سید عبدالاعلی سبزواری به شاگردی پرداخت و بعد از ۱۲ سال تحصیل در نجف به زادگاهش قندهار بازگشت و در یک مدرسه مذهبی در شهر قندهار به تدریس علوم دینی پرداخت و سپس حسینی بزرگ قندهار و مدرسه علمیه آن

شهر را بنیان نهاد. محسنی به دنبال کودتای کمونیستی هفت ثور افغانستان را ترک و به سوریه رفت و چند ماهی در شهر دمشق به تدریس علوم حوزوی پرداخت. او سپس به ایران رفت و در حمل (فروردین) ۱۳۵۸ با جمعی از روحانیان افغانستان مقیم حوزه علمیه قم، حزب حرکت اسلامی افغانستان را بنیان نهاد. با سقوط رژیم دکتر نجیب الله و حاکمیت نخستین دولت مجاهدین در کابل، وی دبیر و سخنگوی شورای رهبری دولت مجاهدین بود. پس از وقوع جنگ‌های داخلی بین گروه‌های مجاهدین، او کابل را ترک کرد و چند سالی مقیم شهر اسلام‌آباد پاکستان شد و در سال ۱۳۷۶ پاکستان را ترک نمود و مقیم شهر قم در ایران شد. او در این شهر به تدریس خارج فقه، علم الرجال و علم کلام پرداخت. بعد از سقوط حکومت طالبان، به کابل بازگشت و تا پایان عمرش در این شهر سکونت داشت. از مهم‌ترین اقدامات وی در کابل ساخت حوزه بزرگ علمیه خاتم النبیین، احداث دانشگاه خاتم النبیین، احداث شبکه تلویزیون تمدن، احداث شورای علمای شیعه افغانستان، احداث شورای اخوت اسلامی افغانستان و رسمیت مذهب جعفری در قانون اساسی افغانستان می‌باشد. (محسنی، تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل، ۱۷-۱۳۸۶). ایشان سرانجام پس از عمری تلاش، فعالیت و خدمات ارزنده‌ای به حوزه‌ها، در ۱۴ اسد (مرداد) ۱۳۹۸ در اثر بیماری در شهر کابل درگذشت. پیکر وی در ۱۵ اسد/مرداد ۱۳۹۸ در محوطه ساختمان حوزه علمیه خاتم النبیین در کابل که خود آن را بنیان نهاده بود به خاک سپرده شد.

شخصیت تقریبی دیگر شیخ محمود شلتوت، عالم بزرگ دینی مصر است که در سال ۱۳۱۰ قمری برابر با ۱۸۹۳ میلادی در یکی از بخش‌های بحیره مصر متولد شد. وی در دانشگاه اسکندریه تحصیلات خود را شروع و بعد از فراغت از تحصیل در ۲۵ سالگی به عنوان استاد در این دانشگاه شروع به تدریس کرد. شلتوت در سال ۱۹۱۹م هم‌زمان با

انقلاب مصر با نوشتن مقالات و سخنرانی با مردم همراه شد. (سلهب، ۲۰۰۸: ۲۱) وی در سال ۱۳۴۶ق به دعوت شیخ مصطفی المراغی رئیس وقت دانشگاه الازهر در این دانشگاه شروع به تدریس مشغول کرد؛ ولی بعد از کناره‌گیری المراغی از ریاست الازهر به دلیل اختلاف با دربار مصر، شلتوت نیز از تدریس در این دانشگاه کناره گرفت و به وکالت در محاکم شرعی پرداخت. شیخ شلتوت در سال ۱۳۵۵ق با بازگشت شیخ مصطفی المراغی به دانشگاه الازهر دوباره به تدریس فراخوانده شد. وی در سال ۱۳۷۷ق توسط رئیس جمهور مصر به عنوان ریاست دانشگاه الازهر برگزیده شد (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۹-۳۰) و تا زمان وفاتش در سال ۱۳۸۳ق در قاهره در این منصب باقی ماند. (سلهب، الشیخ محمود شلتوت، ۲۰۰۸م، ص ۲۳)

۱. مفاهیم و روش تحقیق

قبل از پرداختن به فقه مقارن و نقش آن در وحدت جهان اسلام لازم است برخی از مفاهیم کلیدی، پیشینه و روش تحقیق موردبررسی و تبیین قرار گیرد.

۱-۱. جهان اسلام

مفهوم جهان اسلام در دهه‌های اخیر رواج یافته است و مرکب از دو واژه «جهان» و «اسلام» است که به تدریج در ترکیب‌های گوناگون و با کاربردهای گوناگون به کار رفته است. به مجموعه‌ای از کشورها با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص که مشخصه اصلی و مشترک اعضای یک کلیت در قرن اخیر است، واژه جهان اطلاق گردیده است. اصطلاح جهان اسلام، اول‌بار در سال ۱۹۰۶ مطرح شد و قبل از آن جغرافی‌دانان اسلامی از اصطلاح سرزمین‌های اسلامی، مملکت اسلامی و بلاد اسلامی استفاده می‌کردند. (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱-۳)

ملاک و معیارهای متفاوتی را می‌توان برای تعریف جهان اسلام در نظر گرفت و ارائه یک معیار و شاخص فراگیر برای تعریف این مفهوم، امکان‌پذیر نیست. اندیشمندان معیار جمعیت (اسعدی، ۱۳۶۶، ۱: اول)، معیار عضویت در سازمان همکاری اسلامی (گلی زواره، ۱۳۷۲: ۶۱) و معیارهای فرهنگی (مستوفی‌الممالکی، ۱۳۸۲: ۱۵) را در تعریف این مفهوم در نظر گرفتند. معیار فرهنگی در تعریف این مفهوم از اهمیت و کثرت بیشتری برخوردار است. راینهارد شولتسه مفهوم جهان اسلام را به مثابه «سرزمین فرهنگی» با ویژگی‌های قومی یاد کنند. (شولتسه، ۱۳۸۹: ۱) به‌طور خلاصه از چهار رویکرد عمده برای تعریف جهان اسلام می‌توان یاد کرد: ۱. رویکرد بین‌المللی و دولت-ملت محور، شامل کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی؛ ۲. رویکرد کشور محور، یعنی کشورهایی که دارای اکثریت جمعیت مسلمان هستند؛ ۳. رویکرد جمعیت محور، شامل جمعیت مسلمانان در هر نقطه‌ای از کره زمین ۴. رویکرد امت محور.

از آنجایی که این مفهوم تاکنون تغییر و تحول زیادی یافته است و امروزه نمی‌توان معیار دولت، ملت و امت را از تعریف این مفهوم حذف کرد، زیرا دو مفهوم دولت و ملت از عناصر کلیدی جهان امروز و عنصر امت نیز پیشینه تاریخی این مفهوم را تشکیل می‌دهد که مفاهیم مانند «دارالاسلام» نشانگر آن است. از این رو می‌توان گفت جهان اسلام عبارت است از مجموعه‌ای از گروه‌ها و کشورهایی که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تمدنی، تاریخی و فرهنگی خاص، آنان را به‌عنوان یک کل پیوسته باهم مرتبط می‌سازند و از طریق گسترش همان ویژگی‌ها، پابندی و ارتباط خود را حفظ و در جهت یکپارچگی آن تلاش می‌کنند.

۱-۲. وحدت اسلامی

وحدت و همگرایی از مفاهیمی است که در گرایش‌های علمی مختلف قابل مطالعه است. وحدت اسلامی یکبار ناظر به اتحاد جهان اسلام است و یکبار به عنوان یک امر دینی برگرفته از کتاب و سنت به عنوان وظیفه و دینی در راستای دستیابی به دستورات الهی بر آن تأکید شده است. وحدت اسلامی عبارت است از اینکه فرق اسلامی یکدیگر را به طور صحیح بشناسند از تفکر و اعتقادات هم آگاهی و اطلاع داشته باشند و از نزاعی که قرآن کریم از آن ما را نهی کرده است (سوره انفال، آیه ۴۶) دوری گیریم و برای حفظ، دفاع و گسترش کیان ساحت مقدس قرآن، اصول ثابت، مشترکات اسلامی و امت یکپارچه و کلیت جهان اسلام هم‌نوایی و هم‌صدایی داشته باشند (صادقی اردستانی، بیتا، ۵۰۲) شاید وحدت اسلامی معادل مفهوم همگرایی^۳ باشد که فرایند و شرایطی است که در آن، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دستگاه‌های ارتباطی واحدهای مختلف، با حذف عوامل اختلافی و تعصب برانگیز به نفع اهداف جمعی و منافع مشترک، به گونه‌ای به هم نزدیک می‌گردند که نظام جدیدی از روابط، جایگزین نظام پیشین می‌گردد. (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۲)

آیت‌الله محسنی همگرایی و وحدت اسلامی را این گونه تعریف نموده است: «تقریب یعنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی که بسیار زیاد است؛ و معذور داشتن همدیگر در اختلافات، روی اصل: للمصیب اجران و للمخطیء اجرٌ واحد و برادری و دوستی روی اصل انما المؤمنون اخوه، در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و بالاخره عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر اهل مذاهب اسلامی». (محسنی، ۱۳۸۶:

۳ Integration.

۱۰۳، ۱۰۷) از نظر ایشان «معنای وحدت اسلامی در بعد نظری، همکاری کردن در مشترکات دینی است که زیاد هم هستند. در بعد عملی، توهین نکردن به مذهب دیگری، نشکستن غرور طرف و بدگویی نکردن به رهبران مذهبی آنها مهم است». (همان، ۶۳)

شیخ محمود شلتوت وحدت اسلامی را این گونه تعریف می کند: «برادری دینی بین قلوب مسلمین پیوند برقرار می کند و آنها را همچون خانواده ای واحد می سازد. مسلمان از خوشحالی مسلمان، خوشحال و از ناراحتی او ناراحت می شود. هنگامی که گمراه شد او را هدایت و هنگامی که اغفال شد او را ارشاد و هنگامی که ضعیف شد به او رحم می کند؛ و در یک جمله، آن گونه که برای خود می پسندد با او رفتار می کند.» (شلتوت، ۱۹۵۹: ۴۴۵)

۳-۱. فقه مقارن

فقه مقارن نیز مانند دیگر مفاهیم دارای تعریف جامع نیست ولی در یک تعریف نسبتاً جامع باید گفت: فقه مقارن یا فقه تطبیقی که مرحله تکامل یافته علم الخلاف است، به دانشی اطلاق می گردد که در آن، آراء تمامی عالمان مذاهب، ملاحظه شده و آنگاه برترین آنها بدون تعصبات فرقه ای گزینش می گردد. در تبیین نکته فوق باید گفت فقه مقارن از بدو پیدایش تاکنون اشکال و مراحل گوناگونی را گذرانده است که به تبع هر تغییر و تحولی تعریف خاصی برای آن ذکر شده است. این تعریف مورد قبول بسیاری از عالمان بزرگی نظیر شیخ محمود شلتوت، محمد مدنی قرار گرفته است و فقه مقارن از سال ۱۹۳۶ م بر اساس روش فوق در دانشگاه الازهر مصر تدریس می شود (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۰ برای اطلاع بیشتر رک: حسینی رودباری، ۱۳۹۲، ۵۲-۷۷؛ جناتی، ۱۳۷۴)

به گواهی گزاره‌های تاریخی، شخصیت‌های زیادی در طول تاریخ تاکنون نقش فراوانی در تکامل فقه مقارن داشته‌اند که در رأس آنان باید از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام نظیر امامین صادقین (ع) نام برد. در این زمینه سخن امام ابوحنیفه به‌خوبی گویای این مطلب است آنجا که می‌گوید: «فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم؛ زیرا منصور خلیفه عباسی از من خواست مسائل مشکلی را برای پرسش از او تهیه کنم. من ۴۰ مسئله معروف فراهم کردم و نزد منصور رفتم که در حیره بود، جعفر بن محمد را دیدم که در سمت راست خلیفه نشسته بود. مسائل را یک‌به‌یک مطرح کردم و او جواب می‌داد و می‌گفت شما در این مسئله چنین می‌گویید و اهل مدینه چنان می‌گویند و ما نیز چنین می‌گوییم، چه‌بسا از ما تبعیت کنند و چه‌بسا از آنان تبعیت کنند و چه‌بسا هردو مکتب با ما مخالفت نمایند تا اینکه هر ۴۰ مسئله تمام شد، آنگاه ابوحنیفه گفت آیا چنین نیست که دانشمندترین مردم عالم‌ترین آن‌ها به اختلاف مردم است» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۴۰، به نقل از: مناقب ابوحنیفه موفق، ج ۱، ص ۱۷۳).

رهبران و امامان دیگر مذاهب نیز هریک به‌گونه‌ای در تکامل و گسترش این دانش نقش وافر داشتند. دلیل این امر آثار و سیره آنان است که اغلب آنان تقلید و تعصب بر مذهب خاصی را برننافته و از پیروانشان می‌خواستند که به ادله آنان و ادله سایر مذاهب در احکام شرعی نگریسته و بعد از مقایسه آنان با یکدیگر گفتار احسن را برگزینند و در این راستا چه‌بسا حنفی قول مالکی و حنبلی قول شافعی را می‌گویند. در اینجا به‌عنوان نمونه گفتار برخی از رهبران و عالمان مذاهب اسلامی را که فقه مقارن و جستجوی منابع ادله و اقوال را تنها راه رسیدن به قول حق و صواب می‌دیدند، بیان می‌کنیم: ابوحنیفه می‌گوید: «جایز نیست کسی بدون آنکه منابع و ادله فتاوی ما را بداند، آن‌ها را بپذیرد» ایشان به ابویوسف می‌گوید: «ای یعقوب در برداشت و رفتار ما دقت کن که از کجا آن را به دست آورده‌ایم؛

زیرا ما انسان هستیم امروز سخنی می‌گوییم و فردا از آن عدول می‌کنیم». (حسینی رودباری، ۱۳۹۲: ۵۲-۷۷)

۴-۱. روش بحران اسپریگنز

روش بحران اسپریگنز که در این تحقیق از آن استفاده خواهد شد یکی از روش‌های انتقادی به حساب می‌آید. روش‌های انتقادی از دهه ۱۹۸۰ به بعد مطرح گردید. این اصطلاح حداقل به دو معنا مورد استفاده قرار می‌گیرد: معنای خاص که شامل دیدگاه‌های متأثر از مکتب انتقادی فرانکفورت و دیدگاه آنتونیو گرامشی می‌گردد و معنای عام، که شامل طیفی گسترده از دیدگاه‌های انتقادی که در مقابل جریان اصلی قرار می‌گیرد و خواستار تغییر وضع موجود است و شامل دیدگاه‌های انتقادی خاص متأثر از مکتب فرانکفورت، پساتجددگرایی و پساساختارگرایی و دیدگاه‌های مارکسیستی و نو مارکسیستی را در بر می‌گیرد. در این معنا نظریه انتقادی تلاشی میان‌رشته‌ای تلقی می‌گردد که علم سیاست، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی، تاریخ، روانشناسی و سایر رشته‌ها را ترکیب می‌کند تا نظریه متفاوت، بدیل و برداشت واقع‌گرایانه ارائه کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۲۱۴-۲۱۳)

روش بحران اسپریگنز در واقع راه فهم اندیشه سیاسی را آموزش می‌دهد و قائل به بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعه علوم سیاسی است. (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۳۰-۲۲) از دید وی، هدف نظریه‌های سیاسی، آماده ساختن بینشی از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم‌پذیر شدن آن و رفع نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه باریشه‌های بی‌نظمی و

غلبه بر آن‌هاست. (همان، ۳۰-۲۲) نظریه بحران دارای چهار مرحله مشاهده و شناسایی مشکل، علل مشکل، جامعه آرمانی و ارائه راهکار است. (همان، ۴۳، ۱۸۱ و ۲۳۵)

۲. فقه مقارن و مسئله وحدت در جهان اسلام

روش جستاری بحران اسپریگنز در چهار مرحله تحلیل وضع موجود، شناسایی علل وضع موجود، جامعه و آرمانی و برنامه اقدام و عملی تدوین می‌گردد که تلاش می‌گردد چهار مرحله مذکور به‌ویژه برنامه اقدام و راهکار وحدت و همگرایی اسلامی موردبررسی قرار گیرد.

۱.۲. وضعیت موجود وحدت و همگرایی در جهان اسلام

اولین مرحله روش بحران به این پرسش می‌پردازد که هم‌اکنون همگرایی در جهان اسلام در چه وضعیتی قرار دارد؟ ازاین‌رو باید وضعیت امروزی همگرایی موردبررسی قرار گیرد. درواقع حرکت اول برای حل مشکل، فهم مشکل است. ما باید درک کنیم که در چه شرایطی قرار داریم و مشکلات و چالش‌های ما کدام است؟ به‌وضوح شاهدیم که جهان اسلام، طی دو سده اخیر و به‌ویژه در چند دهه گذشته، با بحران واگرایی و تفرقه فزاینده‌ای روبه‌رو است.

وضعیت کنونی و بحرانی تفرقه و واگرایی در جهان اسلام مسئله‌ای نیست که بر کسی پوشیده باشد. ازاین‌رو به‌صورت اجمالی در پاسخ به پرسش اول اسپریگنز باید گفت که یکی از برجسته‌ترین ویژگی کنونی جهان اسلام، واگرایی و تفرقه است (میرترابی، ۱۳۹۰: ۲۸۴) و به قول شهید صدر: «امروز وضع مسلمانان تقریباً نقطه مقابل فواید تعالیم مقدس است». (ایرانی، ۱۳۸۸: ۷۰) جهان اسلام در این دوره وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی مناسب در نظام بین‌الملل ندارد. احساس انزوا، سرکوب، عصبانیت و ناامیدی

ویژگی‌های جهان اسلام هست. از نظر اقتصادی و سیاسی اغلب کشورهای اسلامی فاقد استقلال بوده و وابستگی شدید سیاسی و اقتصادی به دنیای غرب دارند. (قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۳۹۰: ۱۲۲؛ ولی پور زرومی، ۱۳۸۱: ۳۴۶) وضعیت اجتماعی مسلمانان نیز در جایگاه خوبی قرار ندارد. از نظر اجتماعی امروزه هفت نفر از هر ده نفر افرادی که به دنبال پناهندگی هستند، از کشورهای اسلامی هستند. مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منازعات کشمیر، چین، فلسطین، افغانستان را نیز به این مشکلات باید افزود. از نگاه اقتصادی نیز دلارهای نفتی کشورهای اسلامی که دنیای اسلام به آن امید بسته بود، نه تنها مسئله پیشرفت کشورهای اسلامی را حل نکرد بلکه در بانک‌های اروپایی و آمریکایی واریز شده و روزبه‌روز بر فقر بسیاری از کشورهای اسلامی افزود. (قربانی شیخ‌نشین و سیمبر، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۵)

وضعیت کنونی جهان اسلام را، منادی تقریب و فقیه روشن‌ضمیر آیت‌الله محسنی در تحلیل و گفتاری بسیار گویا بیان داشته است. ایشان معتقد است وضعیت امروزی به‌راستی آزاردهنده و تکان‌دهنده و اسفانگیز است. جهل، عصیت‌های قوی، نژادی و بی‌اعتمادی در بین مسلمانان بی‌داد می‌کند. به فرموده آیت‌الله محسنی: «وضع امروزی ما واقعاً اسفناک و حتی گریه‌آور است». (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۹۵) ما باهم اختلاف داریم، ولی این اختلاف‌ها باید به دشمنی منجر گردد؟ آیا لازم است که جنگ به خاطر این اختلافات ادامه پیدا کند؟ در فقه، اختلافات وجود دارد، ولی این‌ها باعث تکفیر نمی‌شوند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۲) ایشان در ادامه می‌نویسد: در تمام علوم انسانی، اختلاف‌نظر میان دانشمندان وجود دارد و همین تفاوت فکری، اختلاف علمی را نیز به دنبال دارد و هیچ‌گاه از زندگانی بشر جدا نخواهد شد. پس چرا اختلافات شیعه و سنی موجب دشمنی و دوری می‌گردد؟ آیا این از وسوسه‌های دشمنان اسلام نیست؟ (همان: ۵۳)

از دیدگاه ایشان در کشورهای اسلامی استبداد و اختناق و زورگویی حکم فرما است و آزادی و عدالت وجود ندارد لذا حکومت‌ها پایگاه مردمی ندارند و فاصله بین توده‌های مردم و طبقات حاکمه بسیار زیاد است، قهراً دولتمردان به قدرت‌های خارجی وابسته‌اند و نتیجه طبیعی آن این است که اجراءات نان در راستای خواسته‌های خارجی‌ان صورت می‌گیرد و این دولت‌ها بهترین کانال‌هایی برای تطبیق افکار الحادی غرب و شرق هستند و امروز جهان اسلام از این راه ضربات سخت متوالی را متحمل می‌شود که با ادامه وضع موجود هیچ تحول مثبتی در زندگانی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان رخ نخواهد داد بلکه اوضاع رو به وخامت بیشتری می‌گراید و آینده ما تاریک‌تر از گذشته و حاضر سیاه ما به نظر می‌رسد. (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۹۶-۱۹۷)

ایشان می‌نویسد: «ما در دنیای امروزی آبرو نداریم، استقلال واقعی نداریم در دام استعمار و استثمار قدرت‌های ملحد جهان سقوط کرده‌ایم، منابع خدادادی ما در اختیار ما و استفاده ما نیست و همه چیز ما برای دیگران است. زمامداران ما نوکران ابرقدرت‌ها هستند. در کشورهای ما آزادی و عدالت اجتماعی و کرامت انسانی وجود ندارد، ما بی‌خبر از همه چیز به جان هم افتاده‌ایم، اختلافات مذهبی و سیاسی و محلی و کشوری ما از حدود عقلایی خود گذشته است و ما واقعاً ذلیل و زبون شده‌ایم. اسلام از زندگانی ما دور شده است و حتی در بسیاری از کشورها نزدیک است رخت سفر بربندد و از سرحدات و مرزها (نعوذبالله) خارج گردد». (محسنی، ۱۴۱۱، ۱: ۲۰) به‌راستی اگر رابطه مسلمانان دنیا با محبت و صمیمی می‌بود و ما علی‌رغم اختلاف نژاد و زبان و ملیت و مذهب با هم برادر و خواهر و مهربان می‌بودیم و در برابر همدیگر احساس مسئولیت می‌داشتیم آیا وضع جهان اسلام از وضع ذلت‌بار امروزی ما به مراتب بهتر نبود؟ (محسنی، ۱۳۷۴، ۲: ۸۷)

۲.۲. دلایل و موانع وحدت و همگرایی در جهان اسلام

مرحله مهم دوم از روش جستاری اسپریگنز، تشخیص علل نابسامانی و بی‌نظمی است. مرحله تشخیص علل مسئله تا حدودی از مشاهده بی‌نظمی نشئت می‌گیرد زیرا مشاهده بی‌نظمی علائم مرض‌های را نشان می‌دهد که علل آن‌ها مورد مطالعه است. با وجود این، نتایج مرحله تشخیص در ابتدا روشن نیست زیرا صرف مشخص کردن علائم ورشکستگی، علل آن را توضیح نمی‌دهد. در این مرحله پاسخ به سؤال‌های زیر که چه چیز خراب است؟ علل درد چیست؟ آیا مشکل ریشه سیاسی، شخصی یا اجتماعی دارد؟ علل طبیعی است و یا مصنوعی؟ دارای اهمیت فراوان هستند. (اسپریگنز، ۴۱) البته ناگفته پیداست که مرحله تشخیص موضوع مرحله مشکلی است و این مرحله می‌تواند سرچشمه جدایی مکاتب مختلف باشد؛ زیرا اگر علل مسئله اساسی، عام و قراردادی نباشد راه‌حل نیز نمی‌تواند به‌درستی طرح گردد و نمی‌تواند منطقاً مسئله را از میان بردارد. (همان، ۸۱) نظریه‌پرداز اگر در این مرحله‌ای از جستار، خطا کند به‌جای سبک کردن مشکلات به آن‌ها می‌افزاید. از طرف دیگر، اگر به‌غلط بعضی مشکلات را که قابل حل نیستند قابل حل تشخیص دهد، پیروان نظریه خود را به دنبال غیرممکن فرستاده است. (اسپریگنز، ۹۰)

وقتی علل نابسامانی جهان اسلام که واگرایی مهم‌ترین آن است را مورد مطالعه قرار می‌دهیم درمی‌یابیم که این دیدگاه عوامل تاریخی را مهم‌ترین عوامل و علل واگرایی می‌داند. دشمنان به‌ویژه استعمار نیز پیوسته کوشیدند تا در راه تحقق همگرایی در جهان اسلام مانع ایجاد نمایند. روشن است که مهم‌ترین علت واگرایی جهان اسلام از خارج مرزهای اسلامی هدایت می‌گردد و اراده بیگانگان مشهود و معلوم است؛ اما این تنها علت واگرایی نیست بلکه مسئله به‌گونه‌ای رشد کرده که در بسیاری مواقع نیاز به حضور دشمنان نبوده است و واگرایی از درون جوامع اسلامی ظهور کرده و در داخل مرزهای

اسلام، کسانی به تفرقه افکنی و ایجاد شکاف در صفوف مسلمین پرداخته‌اند. از این رو، تهاجم گسترده غرب به جهان اسلام بازتاب‌های گوناگونی را در پی داشت. و دارد علل بیرونی و واگرایی و نابسامانی در جهان اسلام، استعمار و سیاست‌های کشورهای سلطه‌گر است. استعمارگران برای واگرایی و به حاشیه راندن همگرایی در جهان اسلام، سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند که هر کدام سهمی به دامن زدن در واگرایی اسلامی داشته است. (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۹) البته علل درونی و واگرایی در جهان اسلام کم‌اهمیت نیستند، بلکه بخشی مهم نابسامانی، علل درونی دارند. بازیگران داخلی و عامل سیاست‌های استکبار بوده و با وام گرفتن از تجربه تاریخی غرب و به کمک آنان منازعات مذهبی و تاریخی اسلامی را برجسته می‌سازند و تلاش دارند مؤلفه‌های وحدت‌بخش در جهان اسلام را به چالش کشیده و به حاشیه ببرند. آنان با مطرح ساختن اختلافات مذهبی و تاریخی و ترکیب آن‌ها و به‌کارگیری آن مفاهیم عملاً در پی سیاست‌های خویش در جهان اسلام هستند. (کاظمی، ۱۳۹۴) عصبیت‌های مذهبی نابجا نسبت به مذاهب (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۱) جهل و نسبت‌های ناروا (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۱)، اختلافات و نزاع‌های مذهبی بی‌پایان و بی‌فایده، حاکمیت دولت‌های خودکامه و استبداد داخلی در کشورهای اسلامی (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۹)، وجود ناهمگونی در نظام‌های حکومتی و ساختارهای سیاسی کشورهای اسلامی، عصبیت‌های قومی و جنبه‌های ناسیونالیستی و ملی‌گرایی افراطی، جدایی دین از سیاست، بحران مشروعیت در جهان اسلام (موثقی، ۱۳۷۸: ۷۴-۱۰۱) از مهم‌ترین علل درونی و واگرایی هستند که بسیاری از کشورهای اسلامی به دام آن افتادند که حاصل آن تفرقه و واگرایی بوده است. (همان، ص ۱۷۲)

در مرحله دوم بر اساس تحلیل‌های مذکور یک «سناریوی محتمل» تدوین می‌گردد که سیمای آینده مسئله را به صورت تداوم شرایط کنونی و بدون هیچ تغییر عمده‌ای در جهت‌گیری‌ها نمایش خواهد داد. این مرحله از چشم‌انداز، پاسخ به پرسش به کجا می‌رویم؟ است و بیانیه روند^۴ نیز خوانده می‌شود. در پاسخ این پرسش باید گفت که اگر نخبگان جهان اسلام نتواند چشم‌انداز آینده اسلامی را درست ترسیم کنند و یا جامعه اسلامی در عملیاتی ساختن آینده تصویر شده کوتاهی نمایند، سرنوشت دنیای اسلام بسیار مبهم و غبارآلود خواهد بود. چالش بزرگ جهان اسلام از دیرباز تاکنون، همواره مسئله عدم وحدت و فقدان راهبری مشخص در امور جهانی و تعاملات درون دستگاهی بوده است. این روند در آینده نیز اگر این وضعیت کنترل نشود سبب گسترش پیچیدگی‌های درونی، بزرگنمایی اختلافات در میان کشورهای اسلامی و به ویژه سوءاستفاده‌های فراوان سایر قدرت‌ها در دامن زدن به تهدیدات و چالش‌های ساختگی باهدف غارت منابع گوناگون و سلطه بر جهان اسلام خواهد شد. متأسفانه دشمنان اسلام با استفاده از عوامل خود در جهان اسلام از یکسو و با بهره‌برداری از جهل و تعصب و خودخواهی برخی از عناصر تأثیرگذار سیاسی و مذهبی در میان جوامع اسلامی، توانسته‌اند اختلاف جزئی فکری و اعتقادی میان مذاهب را که بسیار طبیعی است و لازمه تفکر اجتهادی در میان مذاهب و صاحب‌نظران اسلامی است را به دشمنی و خشونت و تکفیر و جنگ و خونریزی بین مسلمین تبدیل کنند، به حدی که برخی از این جریان‌ها از هرگونه گفت‌وگوی علمی و هرگونه تلاش برای صلح و دوستی و هرگونه اقدام برای تقریب و نزدیک کردن دیدگاه‌ها امتناع می‌ورزند. این وضعیت کشتار، جنگ، تفرقه، کینه‌ورزی،

عقب‌ماندگی، ویرانی و آوارگی را در دهه‌های اخیر برای جهان اسلام به ارمغان آورده است که برآمده از جهل، تعصب و نتیجه سیاست‌های خصمانه و استعماری قدرت‌های غربی است. برخی از کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی از طریق هزینه گزاف دلارهای نفتی و با انتشار ارزش‌های مذهبی وهابی و سلفی، اقدام به جنگ‌های فرقه‌ای، نیابتی و ساختگی میان نموده و تاکنون نقش تخریبی گسترده‌ای در زمینه واگرایی ایفا کرده است. عربستان از دیپلماسی نفتی برای این امر و ترویج وهابی‌گری استفاده می‌کند. (هانتز، ۱۳۸۰: ۱۷۴ و ۲۵۶)

آیت‌الله محسنی‌برخورده شیعه و سنی را «جنگ در تاریکی» می‌داند و معتقد است نه جنگ راه‌حل است و نه حذف و نابودی فیزیکی افراد، نه محو مذاهب و عقیده و اندیشه، نه سنی ساختن شیعه و نه شیعه ساختن سنی، نه ادغام مذاهب و نه دست کشیدن از مذهب، نه دامن زدن به اختلاف و نه قطع رابطه و بستن مرزها و روابط دوستانه با یکدیگر و نه در هیچ چیز دیگری از این قبیل. (جوادی غزنوی، ۱۳۸۷: ۲۸۵ نقل از شیعه و سنی چه فرقی دارند؟) ایشان منشأ عمده اختلافات موجود در میان مسلمانان جهان و یا حداقل، دور شدن آنان از همدیگر چهار نوع است: نژادی، مانند عرب، ترک، فارس و ...؛ سیاسی، مانند ایرانی، پاکستانی، ترکی، افغانی، مصری ... که می‌شود این نوع را به اختلاف ناسیونالیستی و ملی‌گرایی نام‌گذاری نمود؛ این نوع اختلاف قومی و قبیله‌ای که در بسیار از کشورهای اسلامی مشهود است؛ مذهبی. نوع اول و سوم مهار شدنی است و می‌شود از آن جلوگیری نمود. راه علاج دوم مبارزه پیگیر برای از بین بردن حکومت‌های غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی موجود است. باوجود این نوع حکومت‌ها، مسلمانان هیچ‌گاه روی خوشبختی را نخواهند دید. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۴) این‌گونه دولت‌ها به‌طور خلاصه در چند مورد اثر سوء دارد: استثمار دولت‌های کوچک؛ ایجاد عداوت و حداقل

دوری بی مورد میان مسلمانان جهان به عناوین واهی که برادران دین همدیگرند؛ جلوگیری از همکاری نیروهای سازنده و در نتیجه عقب ماندگی جهان اسلام؛ به وجود آمدن دولت های فاسد، نااهل بی کفایت و ستمگر در جوامع اسلامی؛ وقوع جنگ ها و خونریزی ها بین مسلمانان به عناوین احمقانه که مکرراً شاهد آن هستیم. (همان: ۳۴-۳۵) ایشان معتقد است که «همکاری و گفتگوهای مثبت با مذاهب اسلامی در شرایط واجب است چه به عنوان حکم اولی و چه به عنوان حکم ثانوی؛ زیرا در غیر این صورت اگر وضعیت به سمت خشونت و تفرقه پیش رود ضرر آن چند برابر خواهد بود». (همان: ۱۹، ۲۶، ۷۴) بنابراین، در صورت ادامه یافتن این روند وضعیت کنونی هیچ گاه ما را به همگرایی و تقریب نخواهد رساند بلکه روزه روز زمینه های واگرایی در جهان اسلام بیشتر می گردد.

۳.۲. وحدت و همگرایی اسلامی به مثابه وضعیت مطلوب و آرمانی

بازسازی ذهنی و جامعه آرمانی و مطلوب یکی دیگر از مراحل روش اسپریگنز است. از این رو باید گفت که اگر نخبگان جهان اسلام نتوانند آرمان شهر همگرایی را درست ترسیم نکنند و یا جامعه اسلامی در عملیاتی ساختن آینده تصویر شده، کوتاهی نمایند، سرنوشت دنیای اسلام بسیار مبهم و غبار آلود خواهد بود و سبب گسترش پیچیدگی های درونی، بزرگنمایی اختلافات بیشتر میان کشورهای اسلامی گردیده و موجب سوء استفاده های فراوان سایر قدرت ها در دامن زدن به تهدیدات و چالش های ساختگی باهدف غارت منابع گوناگون و سلطه بر جهان اسلام خواهد شد.

آرمان شهر، جامعه آرمانی و چشم انداز مطلوب مسلمانان در کوتاه مدت و وحدت اسلامی و در درازمدت «امت واحده اسلامی» است که وعده و خواست قرآن کریم است.^۵ از این رو بسیاری از متفکران اسلامی، همگرایی و وحدت اسلامی را زمینه ساز جامعه مطلوب در نظر می گیرند. مفهوم وحدت و همگرایی و همچنین دعوت به آن در جهان اسلام همواره به عنوان موضوعی ایدئال برای روشنفکران و اندیشمندان اسلامی برای رسیدن به امت واحده اسلامی، مطرح بوده است. در تاریخ معاصر نیز مهم ترین تلاش های مصلحان اجتماعی و طلایه داران همگرایی، وحدت و همگرایی در جهان اسلام برای رسیدن به امت اسلامی بوده است. (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷: ۲۲)

به باور لمبتون، امت در قلب اندیشه و آموزه سیاسی اسلام جای دارد که صرفاً رشته های ایمانی آنان را پیوند می زنند مرزهای دیگر از دیدگاه اسلام اعتبار نداشته و نهادهای داخلی امت هم بر اساس ایمان دینی مشترک استوار است. (لمبتون، ۱۳۷۴: ۵۴) مفهوم امت در نظام اسلامی جنبه ماوراء ملی دارند و دارای ویژگی های خاصی مانند یگانگی^۶، میانه روی^۷، برادری^۸، ممتازی^۹ و ... است. از نظر اسلام «امت» مهم ترین ملاک تقسیم بندی جوامع بشری است. (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۱)

^۵ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. سوره انبیا، آیه ۹۲ و سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

^۶ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ. سوره انبیا، آیه ۹۲ و سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

^۷ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

^۸ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. سوره حجرات، آیه ۱۰.

^۹ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

این گام هسته‌ی مرکزی فرآیند چشم‌انداز سازی است که هدف تدوین چشم‌انداز، چیزی است که آرمان و آرزوی ماست و می‌خواهیم در آینده به آن دست‌یابیم. در این گام بر اساس «سناریوی محتمل» که در مرحله قبلی گذشت یک «سناریوی مرجع» تدوین می‌گردد. مطالعه این مرحله پاسخ به این پرسش است که کجا می‌خواهیم باشیم؟ درواقع در این مرحله بیانیه چشم‌انداز^{۱۰} مورد بررسی قرار می‌گیرد.

آرمان و سناریوی مرجع در جهان اسلام می‌تواند «تقریب»، «همگرایی اسلامی» و «امت واحده اسلامی» باشد. همان‌طوری که گذشت همگرایی یعنی وجود روحیه برادری دینی و همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود. (تسخیری، ۱۳۸۳ همان) بیانیه چشم‌انداز و سناریوی مرجع می‌تواند امت اسلامی باشد. مفهوم «امت» مفهومی عقیدتی است و به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد. مرز میان «امت‌ها» مرز عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد متمرکز گشته‌اند، امت واحده اسلامی را تشکیل می‌دهند. از نظر اسلام «امت» مهم‌ترین ملاک تقسیم‌بندی جوامع بشری است. (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶۱) از منظر و دیدگاه پژوهشگر برتر جهان اسلام و از منادیان تقریب آیت الله محسنی، آینده تصویر شده نه همگرایی و تقریب و نه زندگی مسالمت‌آمیز، بلکه زندگی مؤمنانه و برادرانه شیعه و سنی است که قرآن از آن یاد می‌کند. (حجرات، ۱۰) ایشان در این زمینه معتقد است: ایذا و رنجاندن مؤمن حرام است (احزاب ۵۹) و مراد از

مؤمن به حکم اصالت الاطلاق، مطلق است که حکم اسلام و ایمان بر آن شده است و لفظ مؤمن در زمان وحی عمومیت داشته است. (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۴) از طرفی تمام خطاب‌های قرآن «یا ایها الذین آمنوا»، «قد افلح المؤمنون» همه مذاهب را شامل می‌گردد و ایمان به خدا و پیامبر را شامل می‌شود. لذا آنان مؤمن هستند و ما نیز مؤمن هستیم. (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۴، ۶۴) از این رو شیعه و سنی مؤمن هستند و فقط درجات ایمان تفاوت دارد.

آرمان تقریب و همگرایی اسلامی و آینده تصویرشده را از دید ایشان به‌طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد: وحدت اسلامی، مردم‌سالاری اسلامی، امت اسلامی، جهان‌شمولی اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی، حقوق و دیدگاه‌های اسلامی، باید جایگزین گفتمان سیاست خارجی دولت‌های گردد که ادعای هویت اسلامی را دارند و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و دین خود را گرامی می‌شمارند. (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۹)

۴.۲. فقه مقارن به مثابه راهکار و راه حل وحدت در جهان اسلام

مرحله چهارم بحران اسپریگنز، یک فرآیند مستقل و کامل برنامه‌ریزی راهبردی یا برنامه‌ریزی اجرایی و اقدام^{۱۱} است که راهبردها و اقدامات لازم را جهت هدایت موضوع به سمت درمان و ارائه راهکار ارائه می‌نماید. در گام آخر نظریه‌پرداز با توجه به اقدامات صورت گرفته در مراحل قبلی به ارائه درمان می‌پردازد. به‌طور خلاصه، باید اذعان کرد که دانشی که نظریه‌پردازان ارائه می‌کنند، تمایلات درمانی نیز دارد و ثمره بینش روشنگرانه، عقل عملی و یا به قول اسپریگنز، نوعی علم نجات است. (اسپریگنز، ۲۳۵)

برنامه درمان و راهکارهای نخبگان و اندیشمندان اسلامی برای خروج از بحران واگرایی

و رسیدن به همگرایی و تقریب دارای اهمیت فراوان است آنان برنامه‌های مهم و ارزشمندی را ارائه داده‌اند که باید در جای دیگر مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار در پی بررسی و تحلیل دیدگاه و راهکارهای درمانی دو تن از برترین چهره‌های تقریبی تاریخ معاصر که هم آثار فراوان در این زمینه دارند و هم در زمینه عمل و اقدام خود با راه‌اندازی نهادهای نظیر دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه، از هم‌طرازان خویش پیشتازترند می‌پردازیم.

اندیشه وحدت یا اتحاد اسلامی در طی ادوار مختلف به مسیر تقریب مذاهب رهنمون گشت و فکر تقریب مذاهب نیز تقریب فقهی را به عنوان جدی‌ترین و کارآمدترین مسیر انتخاب نمود. (دهستانی، ۱۳۹۵)

از منادیان وحدت از منظر فقه مقارن آیت الله محسنی است که در این راستا تلاشهای ارزنده‌ای انجام دادند. ایشان برای وحدت و اتحاد مسلمانان دو عنصر مهم را پیشنهاد می‌کند عنصر اول، برجسته سازی نقاط موارد توافق و مشترک که بین دو طرف در عقاید و معارف و اخلاق و فروع اسلامی وجود دارد که به صورت مکتوب بیان شود تا همگان بدانند که شیعیان و اهل سنت در اسلام و شرع با این مقدار از عقاید و فروع موافقت. وقتی برای همگان روشن شد که در مبانی و ارکان اسلام و حتی در ابعاد مهم معارف اسلامی و در قرآن کریم و روایات فراوانی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عناصر مهم مورد توافق طرفین وجود دارد. بر اساس اصول فقه، شکی نیست که این قرار داد تأثیر مثبت و مهمی در دل مسلمانان خواهد گذاشت. مسلمانان پس از قرن‌ها فقدان یکدیگر را می‌یابند یا حد اقل شدت درگیری و خصومت را به حد اقل می‌رسانند و زندگی اجتماعی خود را شاد می‌کنند. (محسنی، ۱۳۷۹، ۲۶)

آیت الله محسنی معتقد است: «اتحاد مسلمانان جهان از یک طرف از ضروری ترین و حیاتی ترین پایه های تکامل و ترقی و استقلال و عزت دین و دنیای مسلمانان است ولی از طرف دیگر از سخت ترین و مشکل ترین و پیچیده ترین و پرمشقت ترین کارها».

(محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۵)

آیت الله محسنی رسیدن به همگرایی را از طریق رفتار مسلمانان قابل حصول می داند و از این رو راهکارهای ایشان بیشتر جنبه رفتاری و عملی دارد تا نظری و اندیشه ای. (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۹: ۷۷-۱۰۰) آیت الله محسنی در این زمینه در پاسخ به سؤالی که چرا تقریب تاکنون پیشرفت چشم گیری نداشته است؟ می فرماید که: «به نظر من، سبب آن، تقصیر اکثر اصحاب تقریب است که به آمدن در کنفرانس ها و مجرد صحبت کردن و شنیدن سخنرانی ها بسنده می کنند و در کشورهای خویش هیچ فعالیتی فکری و عملی ای در این راستا ندارند و محافظه کاری می کنند. ما اگر اعتقاد محکمی به تقریب، به منظور تقویت موقف اسلامی در جهان داشته باشیم، حتماً خداوند متعال بیشتر از حال فعلی به ما توفیق خدمت مرحمت می فرماید». (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۱۱) در زیر به مهم ترین راه های رسیدن به همگرایی که از سوی راهکاری مناسب برون رفت از بحران انحطاط اسلامی نیز به شمار می رود و از سوی دیگر زمینه ساز شکل گیری امت واحده اسلامی است از دیدگاه آیت الله محسنی اشاره می گردد.

شخصیت برجسته دیگر جریان حامی فقه مقارن شیخ شلتوت است که سهم بزرگی در رویکرد تقریب مذاهب داشت. (المعاونیه الثقافیه للمجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۲۰۰۴) بی شک وی از معدود عالمانی بود که به وحدت اسلامی و تقریب

مذاهب اسلامی اهتمامی ویژه داشت. شیخ محمود شلتوت با اشاره به نقش ممتاز علما درباره وحدت اسلامی، همه آنان را به وحدت و همگرایی فرا می‌خواند و می‌گفت: «من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می‌کنم. مسلماً گرمی‌ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر در این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه‌هایی را که در گذشته میان مسلمین پیدا شده است، ببیند و مجد و مجد و شعار ما را که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۳)

شیخ شلتوت در مورد فتوای تاریخی‌اش می‌گوید: «من از دیرزمانی یعنی حدود سی سال قبل درصدد مطالعه فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتاب‌های فقهی امامیه را خواستم؛ ولی تا این اواخر که مصر زیر سلطه بود، کتاب‌ها به دستم نمی‌رسید. بعد از فتح کانال، کتب شما آمد و من مطالعه کردم. حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم؛ بدون اینکه تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم». (همان، ۱۹۵)

ایشان کتاب نفیس «المبسوط» تألیف شیخ طوسی (ره) را برای شیخ الازهر و از اعضای دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و رئیس کمیته فتوایی الازهر اهدا کرد که شیخ پس از مطالعه کتاب «المبسوط» شیخ طوسی تحت تأثیر این کتاب قرار گرفته و در اواخر عمرش گفته بود که «فقه شیعه از صاحب شریعت مستند دارد ولی فقه اهل سنت فاقد این استناد است. وی گفته بود چه آن موقع که مفتی مصر بودم و چه بعد آن، وقتی که به کمیسیون فتوا می‌رفتم، برای نظر دادن در مسئله‌ای حتماً قبل از آن کتاب المبسوط شیخ طوسی را مطالعه می‌کردم». (همان، ۲۳۵)

از مهم‌ترین اقدامات شیخ شلتوت در هنگام ریاست در دانشگاه الازهر، تدریس فقه شیعه در کنار دروس فقه مذاهب اهل سنت بود به صورت فقه مقارن که افق نوینی به روی اساتید و دانش‌پژوهان الازهر گشود. (علی احمدی، ۱۳۸۳: ۸۵-۸۶؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۸۹) بر اساس فقه مقارن، یک محقق تمام نظریات و آرا فقهی مذاهب اسلامی را مطالعه نموده و هر حکمی که دلیلش قوی‌تر بوده را به اجرا درمی‌آورد. وی در مقایسه بین ادله علمای مذاهب مختلف یک اصل را قبول داشت و آن این بود که هر دلیل که قوی‌تر باشد، مورد قبول است و تأکید داشت که فقهای مسلمان باید به دور از تعصب‌ها و هواهای نفسانی هر رأی و اندیشه‌ای که در تحکیم مبانی اسلام مؤثرتر است و رفاه خانواده و اجتماع را بهتر تأمین می‌کند، از یکدیگر بپذیرند.

از ثمرات مهم تأسیس فقه مقارن، مقایسه برخی احکام اسلامی و تغییر یافتن و برعکس شدن برخی دیدگاه‌های فقهی بود که بعدها به صورت قانون رسمی مصر درآمد. شیخ شلتوت در این باره می‌فرماید: فراموش نمی‌کنم که تطبیق و مقارنه میان مذاهب را در دانشگاه شریعت درس می‌دادم و آرای مذاهب را در یک مسئله عرض می‌کردم. از جمله نظر مذهب شیعه را مطرح می‌نمودم و آن را برمی‌گزیدم چون پیرو دلیل بودم و در بسیاری از مسائل طبق نظر شیعه فتوا می‌دادم از جمله پیرامون قانون‌هایی که به احوالات فردی و شخصی ربط می‌یافت. استاد بزرگوار شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر، در پاسخ این سؤال که بعضی از مردم چنین می‌اندیشند برای آنکه مسلمان عبادات و معاملاتش صحیح باشد حتماً باید به یکی از مذاهب چهارگانه معروف عمل کند فرمودند: «اسلام بر هیچ‌یک از پیروان خود، پیروی از مذهب معینی را واجب نکرده است؛ بر آنیم که هر مسلمان حق دارد ابتدا به ساکن، از هر کدام از مذاهبی که به طور صحیحی نقل و احکام آن در کتب ویژه آن مذهب تدوین شده است، تقلید کند و هر کس که از مذهبی

تقلید نماید، می‌تواند به مذهب دیگری، هر مذهبی که باشد، درآید و از این حیث، ایرادی بر وی وارد نیست». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

شیخ محمود شلتوت در کتاب مقارنه المذاهب فی الفقه می‌نویسد: «چون روح اختلاف در متأخران پدید آمد و تعصب فرقه‌ای آنان را فراگرفت، قوانینی وضع کردند که مردم را از انتقال به سایر مذاهب باز می‌داشت و در اثر این قوانین به جای اینکه فقه مذاهب مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، به صورت التزاماتی تعصب‌آمیز درآمد و صاحب‌نظران را از اظهار رأی و نظر ممنوع داشت و راه تحقیق در کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را مسدود ساخت و موجب گشت که اجتهاد در فقه اسلامی متوقف گردد» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۵۰، به نقل از مقدمه مقارنه المذاهب فی الفقه). ایشان بر همین اساس دستور داد فقه مقارن میان مذاهب اسلامی در دانشکده الشریعه الازهر تدریس شود و آیین‌نامه آن را بدین صورت تنظیم کرد:

۱. تحقیقات و مطالعات مذاهب فقهی بدون فرق میان مذهب سنی و شیعه است و به‌طور خاص به دیدگاه فقهی، احکام و دلایل هریک از مذاهب چهارگانه اهل سنت و مذهب امامیه می‌پردازد. ۲. خالص کردن حکمی که دلیل راهنمای آن است از جهت‌گیری به‌سوی مذهب استاد یا شاگرد باشد که ثمره مقارنه محقق شود و رأی احسن و راجح میان آرای گوناگون آشکار گشته و تعصبات مذموم فرقه‌ای باطل گردد. ۳. در اصول فقه به‌طور خاص به بیان مواضع اصولی که مورد اختلاف مذاهب شش‌گانه اسلامی سابق است، همراه با بیان اسباب اختلاف پرداخته شود. ۴. علم مصطلح الحدیث و رجال حدیث شامل تحقیق و بررسی اصطلاحات حدیثی اهل سنت و مصطلحات مذهب امامی همچنین مشتمل بر تحقیق و بررسی رجال مشهور و اصحاب مسانید آن‌ها در فقه مذاهب خواهد بود، افزون بر توسعه‌ای که به تفصیل در مطالعات عالی دانشکده الشریعه داده شده است

(همان، ۱۵۰-۱۵۱، به نقل از: دعوه التقريب تاريخ و وثايق، چاپ مجلس اعلاى شئون اسلامى، ۲۲۳).

شيخ محمود شلتوت مى‌گويد: «از نظر فقهى، فقيه منصف كه هدفى جز تحقيق و بررسى و كشف حقيقت ندارد، نمى‌تواند در مسئله‌اى كه تحقيق مى‌كند از گفته مجتهدى يا دليلى كه مخالف با كتاب و سنت پيامبر نيست، چشم بپوشد و گرنه مصداق اين آيه خواهد بود كه مى‌فرمايد: «زنهار آنان كه دل به دورويى مى‌سپارند تا خود را از او مخفى دارند، آگاه باشند كه وقتى سر در جامه‌هاى خويش مى‌پيچند، خدا آنچه را پوشيده دارند و آنچه را آشكار گردانند، مى‌داند؛ زيرا كه او به اندرون دل‌ها به‌خوبى آگاه است» (همان، ۱۶۸).^{۱۲}

۲-۴-۱. احترام به مذاهب و پرهيز از تحريك احساسات

بهترين زمينه اتحاد مسلمانان احترام مذاهب به عقايد همدیگر و اجتناب از تحريك احساسات همدیگر است. هيچ‌گاه شيعه به فتواى امام ابوحنيفه عمل نخواهد كرد و سنيان نيز به نظر امام صادق (عليه السلام) عمل نمى‌كنند، ولى احترام امام صادق (عليه السلام) و ابوحنيفه به‌عنوان پيشواى مليون‌ها مسلمان بايد مسلم باشد. (همان، ۴۸؛ محسنى، ۱۳۹۴ ج: ۲۷؛ محسنى، ۱۳۸۲: ۲۱)

و سوء استفاده دشمن از تفرقه ميان مسلمانان كنند، وحدت اسلامى به وقوع خواهد پيوست و جهان اسلام يکپارچه در مقابل كفر جهانى خواهد ايستاد. شيخ محمود شلتوت با اشاره به نقش ممتاز علما درباره وحدت اسلامى، همه آنها را به وحدت فرامى‌خواند

^{۱۲} «أَلَا إِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ لَيْسَتَّخَفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (هود، ۵)

و می گوید: «اینک من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می کنم. مسلماً گرمی ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر در این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه هایی را که در گذشته میان مسلمین پیدا شده است، ببیند و مجد و شعار ما را که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۳)

نماز جماعت به امامت کاشف الغطاء: شیخ محمود شلتوت در سفری که به قدس شریف برای شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین داشت، به همراه دیگر علما، نماز جماعت را به امامت آیت الله کاشف الغطاء خواند. وی در این صحنه زیبا را که سنی و شیعه در صفی واحد ایستاده اند، این گونه توصیف می کند: «چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجدالاقصی جمع شدند و با یکی از بزرگان مجتهدین شیعه امامی استاد با فضیلت شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند؛ بی آن که فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می نامد و یا کسی که خود را شیعه می خواند؛ و دسته جمعی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند؛ زیرا همگی پروردگار واحدی را می خوانند و به سوی یک قبله روی دارند.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۴۱)

۲-۴-۲. توجه به مشترکات اسلامی

امروزه یکی از اساسی‌ترین روش‌ها در جهت بالا بردن ارتباط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، یافتن مشترکات بین کشورها است. مسلمانان دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، دین، منابع و منافع، دشمن و هستند، از این رو علایق و پایبندی به این

مشترکات موجب افزایش میزان همبستگی و همگرایی بین مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌گردد. (برای اطلاع بیشتر رک: کاظمی، ۱۳۹۶) آیت‌الله محسنی در زمینه مشترکات اسلامی می‌فرماید: «بیاید قطعیات را بگیریم و بحث در باره مشکوکات را رها کنیم. این کار بی‌خودی است. اصول کلی تمام مسلمانان یکی است. به‌زور مسلمانان را از هم جدا نکنیم. اصول کلی مسلمانان یکی است. به همان اصول مشترک اسلامی توحید، نبوت و معاد اکتفا کنیم و در همین مشترکات همکاری کنیم». (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۴) پس معنای وحدت اسلامی در بعد نظری همکاری کردن در مشترکات دینی است که زیاد هم هستند. (همان: ۶۲) مشترکات شیعه و اهل سنت بسیار فراوان و نسبت اختلافات آنان بسیار ناچیز است. خدای واحد، پیامبر مشترک، قرآن واحد، اعتقاد به نبوت انبیای سلف و روز قیامت و ... (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۱) آیت‌الله محسنی نقاط اشتراکی بین شیعه و سنی را در مورد اصول عقاید ۴۰ مورد می‌شمارد و در فروع دین ۱۹ مورد و ۹ مورد اختلافات که راه‌حل اختلافات را نیز بازگشایی نموده و معتقد است که این اختلاف‌ها صد درصد قابل حل و فصل هستند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۸-۴۲)

ایشان در این زمینه جمله مهم و جالبی دارد و می‌فرماید: «اگر معنای تسنن و سنی‌گری متابعت سنت پیغمبر باشد که تمام شیعه سنی هستند و کسی که پیرو سنت آن حضرت نباشد کافر است! و اگر معنای تشیع محبت ائمه عترت و پیروی آن‌ها باشد باید تمام سنی‌ها شیعه باشند؛ زیرا محبت علی (ع) و اولاد آن حضرت بر همه لازم است، جمعی از علمای اهل سنت بر وجوب آن ادعای اجماع کردند. پس شیعه سنی است و سنی شیعه». (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

۲-۴-۳. مبارزه با تعصب‌های بی‌جا و جدا ساختن افراط‌گرایان از جامعه

اسلامی

آیت‌الله محسنی این مانع مهم همگرایی را تذکر داده و مسلمانان را از افتادن در این دام خطرناک بر حذر می‌دارد. ایشان می‌فرماید: «راه‌حل اساسی و اصولی، در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت‌های قومی و نژادی، گردآمدن بر حور و حول مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به‌جای اصالت دادن به فرع است». (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲) تعصبات خشک و احمقانه عوام و رهبران کم‌سواد که اختلافات جزئی مذهبی را بزرگ جلوه داده و سبب عداوت و بدبینی و حتی جنگ‌های دخیلی شده و روزگار مسلمانان را به تباهی کشاندند (همان: ۱۰۳، ۶۸، ۳۷)

از دیدگاه آیت‌الله محسنی حجم زیاد از واگرایی و تفرقه توسط افراط‌گرایان مانند غالیان و نواصب انجام می‌گیرد و آنان از دشمنان اصلی گفتمان تقریب به حساب می‌آید. با جدا ساختن آنان از دامن جامعه اسلامی مسیر همگرایی و تقریب هموار می‌گردد. ایشان معتقد است: «عوامل تفرقه و نفاق بسترسازان نفوذ و ورود عوامل خارجی و قدرت‌های سلطه‌گر و استعماری و آتش‌افروزان جنگ‌های داخلی بین شیعه و سنی، بیشتر گروه‌های افراطی و تند روان غالی و نواصب هر دو طرف می‌باشند که بنابراین تکلیف و وظیفه مسلمانان خودبه‌خود مشخص خواهد بود و آن عبارت است از براءت شیعه از غلات و براءت اهل سنت از نواصب و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارند». (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۱) از این‌رو، مبارزه با ناسیونالیسم، ملی‌گرایی، نژادپرستی، وطن‌گرایی، قوم‌گرایی و تثبیت انترناسیونالیزم اسلامی از ضروریات همگرایی و رسیدن به چشم‌انداز است. (محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۴-۲۰۵؛ ۱۳۷۲: ۶۶)

از دیدگاه شیخ شلتوت نیز اولین عامل، ترک تعصب و حقیقت خواهی با رعایت همکاری و انصاف است. این امر به تحقق شرطهای دیگر کمک خواهد کرد؛ از جمله روی آوری به فرهنگ واحد اسلامی و بهره گیری از تمام نظریات. در این راه باید کتب و نشریاتی چاپ، و تبادل افکار و تضارب آراء انجام شود و دانشگاهها و مراکز علمی با یکدیگر آشنا، و تبادل استاد و دانش پژوه انجام شود و مشورت و دیدارهایی صورت گیرد و ارتباطات عاطفی مسلمانان تقویت شود و در فضایی برادرانه، مشکلات مورد بحث قرار گیرد تا آن گونه که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود، اگر عضوی از امت مسلمان به درد آمد، سایر عضوها را آرام و قرار نماند. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹: ۱۰)

شیخ محمود شلتوت در مقایسه بین ادله علمای مذاهب مختلف، یک اصل را قبول داشت و آن این که هر دلیلی را که قوی تر باشد بپذیرد؛ خواه از مذهب خودش باشد، خواه از مذهب دیگری: «فقهای مسلمان باید به دور از تعصب ها و هواهای نفسانی هر رأی و اندیشه ای را که در تحکیم مبانی اسلام مؤثرتر است و رفاه خانواده و اجتماع را بهتر تأمین می کند، از یکدیگر بپذیرند.» (کیهان، ۲۶/۸/۱۳۷۲: ۷)

۲-۴-۴. توجه به دشمن مشترک و قطع مداخلات آنان

این یک واقعیتی غیرقابل انکار است که قدرت های استکباری از دشمنان اصلی گفتمان تقریب به حساب می آید و آنان نمی خواهند مسلمانان به اتحاد و همگرایی برسند؛ زیرا در آن صورت جلوی بسیاری از مداخلات آنان گرفته شده و منافع آنان از این آب گل آلود تأمین نمی شوند. ایشان در آثار و سخنرانی های خویش این مهم را بارها تذکر داده اند. ایشان معتقد است: «مداخله کشورهای بزرگ به منظور استعمار و استثمار و تضعیف صف

داخلی ملت‌ها و استفاده از اختلافات مذهبی، بهترین راه تجربه شده است و حتی خود حکومت‌های اسلامی نیز گاهی برای تحکیم قدرت خود از همین روش استفاده می‌کنند و مذهب را در استخدام سیاست قرار می‌دهند. اسفبارتر این است که جهالت و مداخله قدرت‌ها تنها به بیان اختلاف اکتفا ننموده؛ بلکه تا حد ممکن از دروغ و اتهام و افترا خودداری نمی‌کنند و مسلمانان را به جان هم می‌اندازند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۸) مسلمان‌ها اگر بخواهند از این بدبختی و ذلت خود را نجات دهند باید قدم‌هایی بردارند که قدم اول اتحاد ملت‌ها و تقویت جبهه‌ی داخلی شان است. (محسنی، ۱۳۷۳: ۱۶۸)

آیت الله محسنی بارها خطر دشمنان همگرایی و تقریب را گوشزد نموده است. برای نمونه ایشان درباره وهابیت که دشمن اصلی تقریب است می‌فرماید: «امروز وهابیت با صدها میلیون دلار، به اشکال مختلف تقویت می‌شود. یک نمونه‌اش را شما در عراق می‌بینید که چقدر شیعه کشته می‌شود. وهابیت دشمن شیعه است، ولی فقط دشمن شیعه نیست. اگر نوبت به مذاهب دیگر برسد، نه حنفی‌ها را باقی می‌گذارند و نه شافعی‌ها را و نه مالکی و نه غیر آنان را همه را می‌کوبند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۶۲، ۲۰، ۱۰۴ و ...) ایشان خطر دشمن مشترک را مکرر گوشزد نموده است. (همان، ۶۲، ۱۰۴ و ...) ایشان از چند جهت همگرایی را ضروری می‌داند: اول اینکه اسلام پیروان خود را از نزاع و درگیری منع داشته و تفرقه و عداوت در اسلام ممنوع است دوم اینکه واگرایی و نزاع بین مسلمانان سبب تقویت جبهه کفار و دشمنان اسلام می‌گردد و همه می‌دانیم که تضعیف اسلام عزیز حرام است و خیانت به قرآن و اسلام محسوب می‌گردد و سوم اینکه نزاع و تفرقه مانع پیشرفت اسلام می‌گردد. (محسنی، ۱۳۷۱: ۱۵۹)

امروز کشورهای اسلامی اگر با هم علیه استثمار و استعمار استکبار جهانی مبارزه نمایند مسلماً جهان اسلام دچار تحول مطلوبی خواهد شد، دشمنان ما هم متوجه این جهت

هستند و به انواع مختلف صف واحد ما را از هم دریده‌اند و ما را از هم دور نگه‌داشته‌اند، بدتر اینکه در یک کشور صفوف و خطوط متعددی بر مسلمانان حکومت می‌کند. (محسنی، ۱۴۱۱، ۲: ۸۷)

یکی از مهمترین امور در شکل‌گیری وحدت، دستیابی به نقطه اشتراکی است که همه مذاهب بر آن اتفاق داشته باشند. نقطه مشترک میان تمام مذاهب اسلامی قرآن است. شلتوت در این باره می‌گوید: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل الله قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده، و رساترین آن در سوره آل عمران است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است. این شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می‌شود. حدیثی صحیح می‌گوید: لا عصبیه فی الاسلام؛ در دین اسلام تعصب وجود ندارد.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹: ۹)

شلتوت در جایی دیگر، کتاب خدا و سنت رسول الله را وجه اشتراک همه مذاهب می‌داند و می‌گوید: «نهی از تفرقه، تفرقه مذهبی را نیز در برمی‌گیرد؛ زیرا به رغم آن که مذاهب فقهی اسلامی بسیار بوده و شیوه‌های آن مختلف است، از اصول واحدی که کتاب الله و سنت پیامبر است، برگرفته شده است. ولی به رغم تعدد مذاهب و اختلاف در بسیاری از احکام و وجود آرای متعدد، همگان در نقطه‌ای مشترک و سخنی واحد، گرد می‌آیند؛ این همان ایمان به مصادر اصلی و تقدیس کتاب الله و سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است.» (همان)

یکی از توطئه‌های استعمار و استکبار جهانی، اختلاف افکنی در میان جوامع مسلمان است تا در پرتو این اختلاف، به منافع ننگین خود برسند و منافع ملت‌های مسلمان را تاراج کنند. بدون شک هیچ کس همچون سران استکبار از اختلاف بین مسلمانان لذت نمی‌برند. علامه شلتوت ضمن هشدار به مسلمانان می‌گوید: «خداوند متعال از امت اسلامی خواسته که وحدت کلمه داشته باشند و از گروه‌گرایی و تحزب که توان و قدرت همدیگر را تضعیف و فرسوده می‌کند، بپرهیزند که کشورهای استعمارگر از تفرقه مسلمانان بهترین بهره‌برداری را به نفع خود کرده‌اند.» (شلتوت و وحدت اسلامی، <https://rasekhoon.net/article/show/۶۳۴۸۵۶>، شنبه، ۸ مهر ۱۳۹۱)

استعمارگر هیچ‌گاه راضی نمی‌شود امت اسلام به طور یکپارچه درآید. زیرا می‌داند در آن صورت، امت واحد در مقابل مطامع آن‌ها خواهند ایستاد و به آن‌ها اجازه نخواهند داد تا منافع آن‌ها را تاراج کنند. بنابراین در برابر هر تلاشی که به وحدت مسلمین بینجامد، می‌ایستد. در این باره مرحوم میرزا خلیل کمره‌ای خاطره‌ای از شلتوت نقل می‌کند: اینجانب و هیئت همراه در سفر به مصر در دو نوبت با شیخ جامع ازهر، محمود شلتوت، دیدار داشتم؛ یک نوبت در جامع ازهر و یک نوبت در منزل شخصی ایشان. در این دیدار، شیخ الازهر ما را از حقایق اموری مطلع فرمود و رازی را فاش کرد که پایه مداخله بیگانگان و تأثیر نفوذ آنان را در امور ممالک شرق حتی در امور بین مذاهب اسلام، روشن ساخت. این عالم عظیم مصر فرمود: من از دیرزمانی حدود سی سال قبل در صدد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتابهای فقهی امامیه را خواستم؛ ولی تا این‌اخر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتابها نمی‌رسید. بعد از فتح کانال، کتب شما آمد و من مطالعه کردم. حجت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم؛ بدون این که

تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۹۵؛ به نقل از رابطه عالم اسلام، ناصرالدین کمره ای، ص ۷)

نتیجه

از منظر روش جستاری اسپریگنز، آینده همگرایی اسلامی مستلزم آن است که مسلمانان وضعیت نامطلوب موجود را فهم نموده و علل آن را مورد شناسایی قرار داده و از آن با ترسیم وضعیت مطلوب عبور کنند. آرزو، آرمان شهر و جامعه مطلوب مسلمانان یعنی در وهله اول وحدت اسلامی و در آینده امت اسلامی را فراهم سازند. بامطالعه و بررسی وضع کنونی جهان اسلام، وضعیت مسلمانان و کشورهای اسلامی جهت گیری زیادی به سمت وحدت و همگرایی ندارند و از مطالعه و ریشه یابی وضع موجود و وضعیت کنونی جهان اسلام علل نابسامانی و بی نظمی و درواقع موانع شکل گیری همگرایی و عدم توفیق راهکارهای مطرح شده همگرایی در جهان اسلام را درمی یابیم که مجموعه موانع به دو دسته کلان درونی و بیرونی قابل تقسیم هستند. از این رو پیشوایان، متفکران و مصلحان اسلامی راهکارهای ارزشمندی را برای شکل گیری وحدت و همگرایی در جهان اسلام به مثابه خروج از وضعیت کنونی و رسیدن به وضع مطلوب ارائه داده اند. یکی از مهم ترین طرح های ارائه شده در این زمینه، توجه به فقه مقارن و تطبیقی است که از گذشته دور تاکنون مطرح بوده است و در تاریخ معاصر دو شخصیت برجسته جهان اسلام یعنی شیخ محمود شلتوت و آیت الله محسنی به این امر اهتمام جدی داشتند و این الگو را تئوریزه و تا حدی عملی ساختند. آیت الله محسنی و شیخ شلتوت معتقدند که مشترکات موجود در میان فرق اسلامی می تواند باعث وحدتی پایدار و ماندگار در جهان اسلام گردد و این امر را راهبرد عملی در تحقق وحدت و همگرایی مسلمین می دانند که تأکید فراوان بر

اشتراکات فقهی می‌ورزند و به عنوان امر مشترک میان امت اسلامی سعی در تقریب بین آنان دارند. از دید آنان، فقه می‌تواند جهان اسلام را به وحدت و همگرایی برساند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشهور.
۳. احمدی، علی، شیخ محمود شلتوت: آیت شجاعت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
۴. اسپرینگز، توماس، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، نشر آگاه، تهران، ۱۳۷۰.
۵. اسعدی، مرتضی، جهان اسلام: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶.
۶. ایرانی، مصیب، استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی، اندیشه تقریب، ش ۱۸، بهار ۱۳۸۸.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
۸. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۹. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع تقریب، ۱۳۸۳.

۱۰. جناتی، محمدابراهیم، فقه تطبیقی و پیشگامان آن، کیهان اندیشه، شماره ۵۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.

۱۱. جوادی غزنوی، اندیشه‌های کلامی، فقهی و سیاسی آیت‌الله محسنی، قم وحدت‌بخش، ۱۳۸۷.

۱۲. جوان آراسته، حسین، اُمت و ملّت، نگاهی دوباره، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۷۹.

۱۳. حسینی رودباری، سید مصطفی، درآمدی بر فقه مقارن، مجله جبل المتین، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲، ص ۵۲-۷۷.

۱۴. دهستانی، بهمن، تقریب فقهی، رهیافت ناتمام، شبکه اجتهاد، ۱۲/۳۰/۱۳۹۵.

۱۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹/۱۰/۱۳۷۹.

۱۶. سلهب، حسن، الشیخ محمود شلتوت قراءه فی تجربه الاصلاح و الوحده الاسلامیه، بیروت، ۲۰۰۸م.

۱۷. سیف زاده، حسین، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴.

۱۸. شلتوت و وحدت اسلامی،

<https://rasekhoon.net/article/show/۶۳۴۸۵۶>. شنبه، ۸ مهر

۱۳۹۱.

۱۹. شلتوت، محمود، الاسلام: عقیده و شریعه، ثقافه الاسلامیه الازهر، مطبوعات الاداره العامه، قاهره، ۱۹۵۹.

۲۰. شولتسه، راینهارد، تاریخ جهان اسلام در قرن بیستم، ترجمه ابراهیم توفیق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ۱۳۸۹.

۲۱. صادقی اردستانی، احمد، وحدت اسلامی، دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت، قم، بی تا.

۲۲. صفوی، سید یحیی، (۱۳۸۷)، وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده، تهران، انتشارات شکیب به سفارش مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

۲۳. فوزی تویسرکانی، یحیی، سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

۲۴. قربانی شیخ نشین، ارسلان و رضا سیمبر، ایران و همگرایی در سازمان همکاری اسلامی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ۱۳۹۰.

۲۵. کاظمی، سید آصف، اسلام هراسی درونی؛ نزاع غرب با اسلام در سایه گفتمان در: مجموعه مقالات هجدهمین جشنواره شیخ طوسی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه وآله)، قم، ۱۳۹۴.

۲۶. کاظمی، سید آصف، بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر در: مجموعه مقالات هجدهمین جشنواره شیخ طوسی (ره)، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه وآله)، قم، ۱۳۹۳.

۲۷. کاظمی، سید آصف، بررسی انتقادی نظریه‌های همگرایی در جهان اسلام با تأکید بر ارائه طرح جایگزین، رساله دکتری تاریخ معاصر

جهان اسلام، مجتمع تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، استاد راهنما،
عبدالوهاب فراتی، تابستان ۱۳۹۹.

۲۸. کیهان، ۲۶ / ۸ / ۱۳۷۲.

۲۹. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام شناخت اجمالی کشورها و
نواحی مسلمان‌نشین جهان، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲.

۳۰. لمبتون، ان، کی، اس، دولت و حکومت در اسلام، نشر عروج، تهران،
۱۳۷۴.

۳۱. محسنی، محمد آصف، صراط الحق فی معارف الاسلامیه والاصول
الاعتقادیه، مشهد، انتشارات ولایت (جعفری)، ۱۳۷۱.

۳۲. محسنی، محمد آصف، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان،
حرکت اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۳. محسنی، محمد آصف، وحدت الامه الاسلامیه، قم، طاووس بهشت،
۱۳۷۹.

۳۴. محسنی، محمد آصف، شیعه و سنی چه فرقی دارند؟ (جنگ در
تاریکی)، کابل، مرکز الابحاث العقائدیّه، ۱۳۸۲.

۳۵. محسنی، محمد آصف، تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل، قم، نشر ادیان،
۱۳۸۶.

۳۶. محسنی، محمد آصف، انوار هدایت، رسالات، مرکز حفظ و نشر آثار
حضرت آیت‌الله‌العظمی محسنی (مدظله‌العالی)، کابل، ۱۳۹۴ ه.ش.

۳۷. محسنی، محمد آصف، جهاد اسلامی در عصر حاضر، کمیته فرهنگی حرکت اسلامی افغانستان، لاهور، ۱۴۱۱ ه.ق.

۳۸. محسنی، محمد آصف، جهانی شدن و جهانی سازی، بی نا، بی جا، ۱۳۸۷.

۳۹. محسنی، محمد آصف، گوناگون، قصه های کوتاه و آموزنده، مؤلف، قم، ۱۳۷۴ ه.ش.

۴۰. محسنی، محمد آصف، متافیزیک از نظر رئالیزم، ولایت، بی جا، ۱۳۷۳ ه.ش.

۴۱. مستوفی الممالکی، رضا، جغرافیای کشورها و نواحی اسلامی، انتشارات دانشگاه یزد، یزد، ۱۳۸۲.

۴۲. مشیر زاده، حمیرا، تحول در نظریه های روابط بین الملل، سمت، تهران، ۱۳۸۹.

۴۳. المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، الامامان البروجردی و شلتوت رائدا التقريب: مجموعه مقالات الملتقى الدولی لتکریم الامامین السید البروجردی والشیخ محمود شلتوت، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، طهران، ۲۰۰۴.

۴۴. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.

۴۵. مؤمنی، مصطفی، جهان اسلام، کتاب مرجع، تهران، ۱۳۸۹.

۴۶. میرترابی، سعید، مسائل توسعه جهان اسلام، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، ۱۳۹۰.

۴۷. ولی پور زرومی، سید حسین، بررسی سطح نخبگان سیاسی موانع ذهنی و روانی همگرایی در خاورمیانه، مجله راهبرد، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۱.

۴۸. هانتر، شیرین، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.